



دکتر محمد باقر

۱۰. قلت عده سیاستمداران درستکار و شجاع و مُصلح و آگاه به مواضع سیاست داخلی و بین‌المللی.

۱۱. عقاید و افکار دکتر مصدق و بینش ملی و اجتماعی و سوابق سیاسی او و برخورد این امور با موانع و محظورات داخلی و خارجی.

۱۲. جبهه ملی و کیفیت ایجاد و تشکیل و خصوصیات شخصی و مرامی اعضای آن.

۱۳. تشکیل تقریباً بدون مقدمه و بدون سابقه ذهنی دولت دکتر مصدق و نقصان بررسی‌ها و پیش‌بینی‌های لازم.

۱۴. ترکیب سیاسی نمایندگان مجلس هفدهم و تأثیرپذیری برخی از آنها از جریانات نامطلوب و کارشکنی داخلی و خارجی (شرقی و غربی) و تغییر روش سیاسی و تضعیف دولت به وسایل گوناگون.

۱۵. تبلیغات زینبار بعضی از گروه‌های متشکل سیاسی که برخی از آنان با مقامات خارجی پیوستگی داشتند.

۱۶. عمل گروهی مخالفان متعدد (به علل گوناگون) بعضی از سناتورها، افسران در حال خدمت، افسران بازنشسته، ملاکان بزرگ صاحب قدرت و نفوذ و کارگردانان خیانت‌پیشه و رشوه‌دهی و فسادپراکنی خارجیان ذی‌نفع.

۱۷. اشتباهات از جانب مسئولین و دست‌اندرکاران امور؛ مثلاً در انتخاب مشاغل اشخاص و ملاحظه کاری در اتخاذ بعضی تصمیمات، به خصوص در هفته‌های آخر در برابر زیاده‌روی‌ها و گفته‌ها و نوشته‌ها و مداخلات خارج از مصلحت اشخاص و گروه‌ها.

۱۸. دشواری‌های ناشی از قطع فروش نفت و مسدود کردن ذخایر ایران به لیره انگلیسی در بانک انگلستان و خودداری اتحاد جماهیر شوروی از پرداخت مطالبات ایران.

۱۹. به وجود آمدن زمزمه‌های مخالفت حاصل از اقدامات اصلاحی دکتر مصدق همراه با تبلیغات و کارشکنی‌ها و ایجاد تشنجات در طبقات مردم.

۱. جبهه ملی و شخص دکتر مصدق گمان می‌کردند که با کمک آمریکا می‌توانند نفت ایران را ملی نمایند. این باور باعث شد که آنان چرخش سیاسی آمریکا به سمت انگلیس را درک نکنند و بی‌جهت به کمک بیگانه دل‌بسته بودند.

۲. جبهه ملی متشکل از افراد و جمعیت‌های گوناگون و بعضاً متضادی بود که عناصر دشمن نیز در بین آنها نفوذ کرده بودند، برخی از این افراد دارای سابقه سوء بوده و برخی نیز عملاً به دنبال منافع شخصی خود بوده و یا عمق مبارزه را درک نکرده بودند.

دکتر غلامحسین مصدق فرزند دکتر مصدق در کتاب در کنار پدرم مصدق در جریان سفر دکتر مصدق به آمریکا و سپس لاهه هلند اغلب اطرافیان پدر خود را سیاهی‌لشکر و کسانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند معرفی می‌کند.

وی در خصوص اعضای هیئت نمایندگی ایران در لاهه می‌گوید: به استثنای نواب، صالح و حبیبی بقیه اعضای هیئت سیاهی‌لشکر بودند و به دنبال تفریح و کارهای خصوصی خود می‌رفتند.

وی اضافه می‌کند: «به خاطر دارم که روزی پدرم به من گفت غلام برو مقداری شکلات بخر، من هم رفتم و یک جعبه بزرگ شکلات خریدم. وقتی جعبه را دیدم گفت چرا یک جعبه خریدی؟ گفتم چقدر باید می‌خریدم؟ گفت چهار پنج جعبه دیگر بخر، اینها را باید با شکلات جمع و جورشان کرد!» ص ۱۰۳

لازم به ذکر است که اعضای هیئت ایران عبارت بود از: حسین نواب، نصرالله انتظام، اللهیار صالح، دکتر علی شایگان، مهندس کاظم حبیبی، دکتر کریم سنجابی، دکتر مظفر بقائی

و دکتر محمدحسین علی‌آبادی. در زمان اقامت هیئت ایرانی در آمریکا نیز علی‌رغم تاهکیدات دکتر مصدق برخی از اعضای هیئت به ملاقات حسین نمازی عامل کمپانی‌های نفتی رفته و با او ملاقات کردند.

سیاسی و استقلال ملت و مملکت بستگی تام دارد، صریحاً اهمیت آن را خاطر نشان نمودم مع‌الاسف مشاهده می‌شود که هیچوقت وضعیات مملکت تا این اندازه اسف‌انگیز و دلخراش نبوده و آزادی جز برای عمال انگلیس نیست مطبوعات و نشریات ملی امکان هیچگونه اظهار عقیده در بیان حقایق را ندارد به طوری که امروز یک روزنامه ملی وجود نداشته و همه در توقیفند و همچنین بسیاری از ملیون و آزادیخواهان متدین در زندانها به سر می‌برند دزدان و جانپان و عناصر بدسابقه کثیف‌ترین عمال انگلیسی با سرنیزه بدون هیچ بیم و هراسی در مراکز انتخابیه تحمیل به ملت می‌شوند و تصمیم گرفته‌اند دوباره انگلیسها را به جان و مال و عرض و ناموس ملت مسلط ساخته و مملکت را مستعمره انگلیس قرار دهند.

این اختیارات را چه کسی به آقای زاهدی داده که این دیکتاتوری شدید و رفتار قرون وسطائی را با مردم شرافتمند ایران بنماید و مملکت را بعد از آن همه فداکاریهایی که ملت برای قطع ریشه استعمار نموده دوباره اسیر چنگال اجانب کند اگر در این جنایات در امور داخلی و خارجی اتکاء او به نظامیان وطنخواه و شریف است اطمینان دارم هیچوقت آنها حاضر به این جنایات و قبول ذلت و خیانت به ملت و مملکت نیستند آنها حلال زاده و اولاد ملت مسلمان ایران هستند و در «روز سی‌تیر قوام» امتحان خود را داده‌اند صریحاً می‌گویم که اگر دست از خیانت برداشته نشود ملت رشید و غیور ایران با قیام شجاعانه خود خائنین و مسببین بدبختی خود را هر کس و در هر مقام که باشد در اولین فرصت ممکنه به شدیدترین وجهی مجازات خواهند نمود.

در خاتمه چنانچه در پایان نامه خود به آقای زاهدی قبلاً متذکر گردیدم اعلامیه‌هایی که در رادیوهای دنیا نیز منتشر گردیده گفته‌ام اگر مجلس هیجدهم با این وضعیت ننگین تشکیل شود هیچکس جز معلودی نوکران و سرسپردگان اجنبی آن را به رسمیت نمی‌شناسند و هر قراردادی که به تصویب برساند سرنوشت آن بدتر از قرارداد نفت ۱۹۳۳ خواهد بود شکی نیست که با صدور این اعلامیه گرفتار انواع تهمتها، حمله جرائد مزدور دولت و اجانب خواهیم شد ولی من همه مصائب

اطلاعیه حضرت آیت‌الله کاشانی بر علیه دولت زاهدی و انتخابات مجلس هجدهم

بسم‌الله الرحمن الرحیم - و لا تحسبن غافلاً عما یعمل الظالمون
گمان نکنید خداوند غافل از رفتار و کردار ظلم‌کنندگان است

هموطنان گرامی با اینکه به کرات چه شفاهاً و چه ضمن اعلامیه و مصاحبه و نامه در مورد تجدید رابطه با انگلستان و مسئله نفت و تعدیاتی که به حقوق حقه مردم و سلب آزادی و اختناق مطبوعات که از طرف دولت اعمال می‌شود به موقع تذکرات خیرخواهانه به منظور حفظ منافع و مصالح عالیه ملت و مملکت به رئیس دولت داده و به خصوص درباره رعایت آزادی کامل انتخابات که با حیات





را استقبال می‌کنم زیرا تصمیم خود را از نخستین روز مبارزه گرفته‌ام که برای حفظ شئون و حیثیت و شرف و دیانت ملت و مملکت تن به همه مشقت و مصیبتی داده و بدهم. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته
۳۲/۱۱/۱۴. سید ابوالقاسم کاشانی

متن نامه‌ای که حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی رهبر مذهبی و سیاسی ملت ایران به سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۲۰ مرقوم فرموده‌اند

جناب آقای هامراسکیولد دبیر کل سازمان ملل متحد بدینوسیله به اطلاع سازمان ملل متحد که تنظیم و تصویب‌کننده حقوق بشر است می‌رساند تا دنیای آزاد بداند که هیچوقت وضعیت مملکت ایران به این اندازه تأسف‌انگیز و دلخراش نبوده و آزادی جزء برای خائنین و عمال اجنبیانی که در صدد تأمین منافع استعماری خود می‌باشند وجود ندارد در این ایام که انتخابات مجلسین (شوری و سنا) جریان دارد دولت تمام روزنامه‌های ملی به نام مخالف را توقیف کرده و با کنترل شدید چاپخانه‌ها به وسیله قوای مسلح امکان انتقاد و نشر حقایق را از قاطبه ملت سلب نموده است و جرائدی که اکنون منتشر می‌شود تحت سانسور شدید بوده و حتی اجازه ندارند که خبر قتل و کشتگانی را که هر روز در کوچه و خیابان بدست مأمورین دولت از پا درمی‌آیند منتشر سازند و نیز عدم آزادی به حدی است که مخبرین خبرگزاریهای خارجی قادر به مخابره جریانات واقعی نبوده و به انواع تضيقات دچار و با تهدید به اخراج از کشور نمی‌توانند وظیفه خود را انجام دهند اکنون جمعی از ملیون و آزادیخواهان متدین که مورد علاقه مردم می‌باشند یا در زندان بسر برده و یا خانه و مسکن آنان تحت نظر پلیس و مأمورین کارآگاهی می‌باشد در همین شرایط دزدان و جانیان و عناصر بدسابقه و نوکران استعمار خارجی در کمال وقاحت و به زور سرنیزه به عنوان نماینده ملت به مردم بی‌پناه این مملکت تحمیل می‌شوند.

من باب نمونه انتخابات دو درجه مجلس سنا در تهران که توأم با تقلب و تزویر و تهدید جریان یافته قابل ذکر است. چه علاوه بر آنکه انجمنهای اصلی و فرعی نظارت انتخابات شامل اشخاص غیرمتمدن مردم و اکثر از بستگان کاندیداهای دولتی تشکیل گردیده و قانوناً می‌بایست رأی به طور مخفی و آزاد از طرف اشخاص باسواد داده شود نیست کاندیدای دولتی به وسیله ادارات و مؤسسات دولتی به کارمندان و کارگران تحمیل و آنها را وادار نمودند بر طبق آن رأی دهند و افرادی که برای دادن رأی به حوزه‌های انتخابیه وارد می‌شدند رأی آنها را اخیراً کنترل و در صورت عدم تطبیق با لیست دولتی قبل از دادن رأی به وسیله رجاله و اوباش اجیر شده دولتی مضروب و مجروح گردیده با کامیون پلیس به زندان تحویل می‌شدند و نیز تعداد زیادی رأی از اشخاص بیسواد یا بدون شناسنامه گرفته شده و همچنین با توجه به ساعات اخذ رأی از اشخاص بیسواد یا بدون شناسنامه گرفته شده و همچنین با توجه به ساعات اخذ رأی و مجموع آراء موجود در صندوقها مقدار معتناهی بالغ بر نصف کلیه آراء

نفوذ قانونی بوده و ملت ایران خود را ملزم به احترام و اجرای آن نخواهد دانست این نامه به عنوان اطلاعیه قبلی تقدیم آن سازمان می‌گردد تا دولتهای وابسته به آن سازمان و مؤسسات تابعه آن دولتها بدانند که از عدم اجرای قول و قرارهای این دولت حق مراجعه و شکایت از ملت ایران را نخواهند داشت. ملت ایران از آن سازمان و اعضاء آن سازمان که منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر را امضاء و تصویب نموده‌اند انتظار دارد به احترام اصولی که میلیونها نفر انسان به خاطر آن جان فدا کرده‌اند خود را به حقایق اوضاع اسفناک کشور ما آشنا ساخته و برای تأمین جزئی منافع مادی که از معامله نفت ایران به دست می‌آید حاضر نشوند که یک ملت زنده تحت فشار قوای استعماری قرار گیرد و موجباتی پیش آید که متضمن عواقب وخیم برای صلح در این نقطه از جهان گردد.

در پایان اضافه می‌شود به واسطه جلوگیری از مخابره تلگرافات و ارسال نامه پستی به وسیله دولت فعلی این نامه توسط قاصد مخصوص به لبنان ارسال شد که از آنجا به سازمان ملل متحد فرستاده شود و همین موضوع به خوبی چگونگی وضع ایران را روشن می‌نماید.
سید ابوالقاسم کاشانی

اعلامیه آیت الله کاشانی بر علیه قرارداد کنسر سیوم

این اعلامیه از طرف حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی پیشوای معظم ملت ایران و مسلمانان جهان صادر گردیده ولی به علت سانسور مطبوعات و توقیف مکرر متصدیان چاپ از طرف دولت، طبع و انتشار آن تاخیر گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموع اخبار و اطلاعاتی که تاکنون راجع به نفت و کیفیت معامله با کنسرسیوم منتشر شده موجب نهایت تأسف و تعجب گردیده است که چگونه انگلیسها از وقایع و فجایع و مظالم محصول یک قرن سیاست استعماری خویش عبرت نگرفته هنوز هم تصور می‌کنند با فشار و تطبیق و سلب آزادی و استفاده از هیئت حاکمه تحمیلی می‌توانند آبهای رفته را به جوی بازگردانند و به استعمار ملل ضعیف و مردم رنجیده این مملکت الی‌الابد ادامه دهند.

یک قرن دولت انگلیس و نیم قرن سلطه استعماری شرکت سابق نفت به پشتیبانی آن دولت مظالم را به جایی رساند که امروز این ملت که باید جمعیت آن بیش از صد میلیون در کمال آسایش و رفاهیت و سعادت و خوشبختی به سر برند و ایران گلستان جهان باشد اکثریت بیست میلیون نفوس آن فقیر بیچاره مبتلی به امراض گوناگون و مصائب از حد فزون و وسیله‌ای جهت بهداشت و فرهنگ ندارند. و انحطاط یک ملت باستانی از هر جهت فوق تصور است. بی‌انصافی و ستمگری را به جایی رساند که ما توانستیم از شدت منفوریت و مبغوضیت انگلستان و عمال داخلی وابسته به آنها استفاده نموده یک نهضت بی‌سابقه‌ای را آغاز نماییم و ملت ایران موفق شد برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی وطن عزیز خود و کمک به حفظ صلح جهانی در قدم اول علیرغم کارشکنیهای عمال بیگانه صنعت نفت را در سراسر کشور ملی کند و در برابر سختیها و محرومیتها برای احقاق مسلم خویش پایداری و استقامت نماید. انتظار می‌رفت که دولت انگلیس از گذشته‌ها عبرت بگیرد و در این موقع که دنیا بیش از هر وقت احتیاج به صلح و آرامش دارد از ادامه سیاست گذشته و طمعکارانه و به زنجیر کشیدن ملل ضعیف که

ماءخوده از طرف متصدی مربوطه آراء قلابی به صندوقها وارد گردیده است با کیفیت مزبور آراء ملی و طبیعی کسانی که توانسته‌اند با وجود تضيقات و مخاطرات رأی خود را به نفع کاندیداهای ملی به صندوق بریزند در موقع شمارش و قرائت آراء از منع حضور مخبرین جراید و نظار ملی که در تمام ادوار معمول بوده استفاده کرده و آنها را به حساب کاندیدهای دولتی احصاء و بالتبججه آنها را حایز اکثریت نمودند.

این مختصری از جریان انتخابات پایتخت مملکت است که حدیث مفصل انتخابات شوری و سنای شهرستانها را می‌توان از این مجمل فهمید.

البته ملل آزاد جهان از خود می‌پرسند منظور دولت فعلی از این همه اعمال ضد انسانی و کشتار مردم آزادیخواه و دانشجویان بیگناه دانشگاه و کارگران آبادان و حبس و تبعید مخالفین و رویه حکومت و ضرب و شتم معترضین به سوء جریان انتخابات و اعمال فشار چیست؟

هدف دولت فعلی این است که برای تهیه پول به هر وسیله و به هر شرط (جز اخذ عوارض و مالیاتهای قانونی از مالکین عمده و سرمایه‌داران بزرگ به منظور حفظ مقام و موقعیت خود و خوراندن به دار و دسته دارد و قطاع‌الطریقی که از او حمایت می‌کنند اقدام نموده تا حکومت منفور تحمیلی خود را به بهانه ظاهر فریب مبارزه با کمونیسم ادامه داده و انتخابات مجلسین قانونگذاری را به بهانه ظاهر حقوق ملی و قوانین موجود و سنن مشروطیت در چنان شرایطی که نظیر آن در کشورهای دیکتاتوری هم دیده نمی‌شود به انجام رسانده تا با وجود دریافتی از خارجه و تکیه به سرنیزه سلطه خود را حفظ نماید و امیدوار باشد که اعضای مجلسینی که انتصاب خود را به عنوان نماینده مردم فقط و فقط مدیون مداخلات غیرقانونی و بیشرمانه می‌دانند از او حمایت نموده و قراردادهایی را که برای فروش نفت ایران و تهیه پول منعقد می‌سازد و همچنین قوانینی را که با مابینت با حیثیت و استقلال و آزادی کشور تهیه می‌نماید تصویب کنند.

بدین جهت دولت حاضر در چنین شرایط و اوصافی که تنها با توسل به وسایل غیرقانونی به حکومت خود ادامه می‌دهد هر قول و قراری که بدهد و هر قراردادی را امضاء کند و یا قوانینی به تصویب برساند به هیچ وجه از طرف ملت ایران رسمیت نخواهد داشت و هر دولت یا مؤسسه خارجی که پولی به این دولت بپردازد یا اعتباری برایش باز کند ناگزیر بعداً باید برای استرداد و تصفیه حساب خود را با اشخاص طرف بداند.

ملت ایران به خود حق می‌دهد به موقع در اولین فرصت ممکنه مرتکبین این اعمال ضد انسانی و مسببین کشتارهای دسته‌جمعی متجاوزین به حقوق اولیه و اساسی خویش را به شدیدترین وجهی مجازات نماید.

غرض از این نامه آنست که اولاً توسط آن سازمان بین‌المللی صدای اعتراض ملت ایران را به گوش دنیای آزاد برساند و در ثانی اعلام بدارد دولت زاهدی اصول مسلمه قانون اساسی مملکت و مواد مصوبه منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا گذاشته نمی‌تواند مظهر اراده ملت و منبعث از ملت باشد. بنابراین هر قرار و تعهدی را بنماید و مجلسینی که چگونگی آن ذکر شد تصویب کنند فاقد ارزش و





موجب شعله‌ور ساختن آتش جنگ و کینه و نفرت است اجتناب ورزد و هنگامی که دولت آمریکا که خود را پیش‌آهنگ اصول دموکراسی و مبتکر منشور آتلانتیک و پشتیبان سازمان ملل می‌داند در این معامله بیش‌رمانه و انتقام‌جویی وقیحانه با انگلستان مکار و حيله‌گر همکاری می‌نماید و سعی است به خاطر چند صد میلیون دلاری که از نفت ایران نصیب سرمایه‌داران استعمارچی آمریکا می‌گردد ملت مظلومی از آزادی و آزادی‌خواهی ناامید و نسبت به تمام ادعاهای دنیای غرب بدگمان گردد. ملت ایران هم حق دارد تصور کند چند میلیون دلاری که به عنوان کمک از طرف آمریکا به ایران می‌رسد و قسمت عمده آن برای تأمین مطامع عده معدودی خرج می‌شود فقط برای این بوده که بعداً چند صد برابر آن را از حلقوم ملت زنجیده این سرزمین بیرون آورند. دول غربی مخصوصاً آمریکا که تمام مساعی خویش را به خاطر طرد نفوذ کمونیسم از دنیا به کار می‌برند آیا احساس نمی‌کنند که رفتار ظالمانه استعمارگران در ایران و مصر و مراکش و فلسطین و سایر کشورهای ضعیف و ستمدیده موجب تسلط و غلبه حتی کمونیسم و موجد جنگ خانمانسوز جهانی آینده که تمدن فعلی و دو ثلث نفوس دنیا را نابود خواهد ساخت می‌گردد آیا از سرنوشت ممالکی که دائماً از فشار کمرشکن استعمار به بلوک شرق ملحق و از جرگه نفوذ آنها خارج می‌شود درس عبرت نمی‌گیرند آیا وقت آن نرسیده بود که دولت انگلیس از ارتکاب اعمال ضد انسانی و طمعکارانه گذشته دست برمی‌داشت و به خاطر رفع شدت انزجار و منفوریت خود و حفظ صلح بین‌المللی از غرامت و سوده‌های دیگر صرف‌نظر می‌کرد. ناچار یک بار دیگر تاءثر و تاءسف خود را از این سوء قضاوت دولتهایی که خود را پیشرو تمدن و استقلال و حریت می‌دانند ابراز می‌دارم و عجیب است با این همه تجربیات تلخی که اندوخته‌اند تصور می‌کنند با صحنه‌سازیهایی رسوای یکساله می‌توانند ملت از جان گذشته ایران را که کارد به استخوانش رسیده برای یک دوره طولانی دیگر زیر یوغ استعماری خویش نگهدارند در این مختصر مجال بحث در اصول موافقت‌هایی که با کنسرسیوم شده و قطعاً به ضرر ایران است. نیست ولی ناگزیر از ذکر پاره مطالب هستم مگر نمایندگان کنسرسیوم اعلامیه مفصل اینجانب را در خصوص غرامت ندیده‌اند به دلایل منطقی ما باید غرامت بگیریم نه غرامت بدهیم باز دولت چندین میلیون لیره تعهد غرامت نموده و دویست میلیون هم از سود مشترک ایران و کنسرسیوم می‌خواهند غرامت بگیرند به علاوه سهم حقیقی ایران از منافع معلوم نیست و اگر تقسیم بالمنافسه با کنسرسیوم باشد پس از همه مجاهدات و مبارزات ایران را در عداد سایر مناطق نفت‌خیز درآوردند که آنها از قیام ملت ایران به این بهره رسیده‌اند نتنها موافق عدل و انصاف نیست بلکه خیانتی نابخشودنی است و نیز مدت چهل سال می‌خواهند طوق رفیت و بندگی را به گردن ملت بی‌پناه ستم‌کشیده ما بیندازند. یقین عوض سهمیه ایران به لیره استرلینگ جز اینکه حیات اقتصادی ایران را تحت‌الشعاع تمایلات سرمایه‌داران طماع لندن بنماید معنی و اثر دیگری ندارد بر شرایط و مقتضیات دنیای کنونی نتایج شوم و عواقب سوء این قرارداد از قرارداد ۱۹۳۳ به مراتب بدتر و ناگوارتر می‌باشد. متأسفانه عاقدین قرارداد با تبلیغات پوچ و بی‌اساس می‌گویند از قانون ملی شدن نفت تخطی نکرده‌ایم در صورتی که این سند افتخار و حیاتی‌بخش ملت ایران را تصور می‌کنند با این‌گونه تحمیلات یکطرفی می‌توانند پایمال و ملت را در زنجیر اسارت و نفع‌طلبی خود، نگهدارند ملت ایران اجازه نمی‌دهد سرنوشت حیات اقتصادی وی در خارج از این مملکت آنهم لندن معین بشود و هرگز قبول نخواهد کرد برای چهل سال دیگر زیر نفوذ اقتصادی اجنبی باقی باشد. ملت ایران عشق و علاقه مفرط به حل

مشکل نفت دارد نه آنکه طوق استعمار و بندگی به گردن خود بگذارد و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را از دست بدهد از نظر ملت ایران یگانه طریق حل مسئله نفت این است که بدون هیچ‌گونه مداخله کنسرسیوم در امور نفت و مناطق نفت‌خیز و استخراج و اکتشاف و بهره‌برداری نفت ایران را به قیمت عادلانه خریداری نماید و به غیر از این ترتیب برای ملت ایران ضرر سیاسی و اقتصادی غیرقابل تحمل دارد در اینجا لازم است آقای زاهدی را مخاطب ساخته حقایقی را گوشزد نمایم. برخلاف آنچه تصور می‌نمایید عمر دولت شما ابد مدت نیست ولی ملت ایران همیشه زنده و تاریخ‌نشان‌دهنده اعمال شما است. وای به حال شما اگر غیر از آنچه به صلاح ملک و ملت است عمل نمایید این طریق حل مسئله نفت با سوگندی که به شرافت سربازی خویش یاد کرده‌اید مغایرت دارد اگر نمی‌خواهید نام شما در ردیف خائن‌ترین افراد ثبت شود. اگر مایل نیستید عاقد ننگین‌ترین و بیش‌رمانه‌ترین قراردادهای باشید و لعن و نفرین ابدی ملت پشت سرتان باشد از



این طریق ناصواب خصمانه بازگردید و برق سرنیزه خفقان را از سر ملت بردارید. شما حق ندارید بدون اجازه و خواست ملت قدمی بردارید و حیثیت ملتی را که در آستانه نتیجه نهضت عظمت‌بخش خویش است به چند روز ادامه حکومت بفروشد و گرنه فرداست که پشیمانی را سودی نبوده و راه گریزی از غضب الهی و قهر و انتقام ملت ندارید و نیز آقای امینی باید بدانید راهی را که می‌پیمایید خطرناکست امروز منفور خدا و ملت و فردا مجبور به اعتذار آلت فعل بودن هستید و کسی نخواهد پذیرفت به هر حال با اعمال زور و فشار و حرکات مذبحخانه نمی‌توان به اجرای این قرارداد توفیق یافت زیرا به فرض اینکه این قرارداد شوم هم به تصویب برسد چنانکه در شکایت به سازمان ملل متحد تذکر داده‌ام رسمیت ندارد و دیرزمانی نباید ملت ایران در اولین فرصت به هر قیمتی باشد یک بار دیگر از انگلیس و همدستانش خلع ید خواهد نمود و انگلستان اگر تصور می‌کند با تخم نفاق که در صف مبارزین ما افشاند و فترتی که در ادامه راه مبارزه حق‌طلبانه و ضد استعماری ما ایجاد نموده عرصه را جهت ترکتازی خود آماده ساخته سخت در اشتباه است تا خون در شراین ملت ما جاری است دیگر اجنبی نمی‌تواند بساط بیگماری و چپاول را در سرزمین ایران بگستراند و عوامل استعمار با تبلیغات سوئی که علیه من برای نیل به هدفها و مقاصد پلید خویش در ایران و دنیا می‌نمایند نخواهند توانست مرا از ادامه مبارزه سرسختانه

وقایع پس از کودتا در مصاحبه با آقای شاه‌حسینی

انتخابات مجلس هجدهم

در جریان انتخابات دوره هجدهم تهران آقای شعبان جعفری (تحت حمایت سپهبد زاهدی) به محله دروازه شمیران تهران می‌آید تا در امر انتخابات دخالت بکند. به مجرد آنکه سر و کله شعبان و دار و دسته‌اش پیدا می‌شود، پاتوق دار محل که آقای عبدا کرمی است راه را بر شعبان می‌بندد و به او توپ می‌رود که: «آقا، در محل من و، این کارها؟! در اینجا نیز عبدا کرمی در حقیقت از نظر آیت ا حاج سید رضا زنجانی تبعیت می‌کند، چون او به عبدا کرمی گفته مانع دخالت و خرابکاری شعبان جعفری در انتخابات شو! و گرنه خود عبدا شخصاً به صرافت چنین کاری که برای او خالی از مخاطره هم نبود نمی‌افتاد. عبدا کرمی، جذب اخلاق و تدبیر حاج سید رضا زنجانی و جناح مخالف دولت شده و



اختلافات رهبران نهضت ملی شدن نفت

درباره علت اختلاف کاشانی با دکتر مصدق و انگیزه و علت آن، تحلیلهای گوناگون و حتی متضادی مطرح شده است. من نمی توانم پاره ای از این تحلیلهای بدبینانه را بپذیرم، چون مرحوم کاشانی، وصی پدرم بود و روی این امر، از نزدیک با او ارتباط داشته و به کارش واقف بودم. به اعتقاد من، موضع سیاسی کاشانی - در دوران اختلاف با دکتر مصدق - نسبت به اصول و اهداف نهضت ملی، عوض نشده بود و او همچنان طالب پیشرفت نهضت بود. چیزی که هست، او می پنداشت می تواند به دست اینهایی که با او هستند، طرحهایی را پیاده کند که با آنها منافع ملی بیشتر تاءمین می شود. ولی خوب، در این راه، برخی از اطرافیان وی کارهایی کردند که نهایتاً و نتیجتاً سیر اوضاع به زیان نهضت و همه تمام شد...

البته تندروی و افراط پاره ای از اعضای جناح مقابل، و سوسه های حزب توده و دربار هم، در تیره کردن اوضاع، بی تأثیر نبود.

مرحوم کاشانی در کودتای ۲۸ مرداد، خودش به هیچ وجه کمک به کودتاچیهان نکرده و هرکس چنین ادعایی کند درست نیست. ولی در عین حال به دلیل اینکه افرادی نظیر دکتر بقایی و حائری زاده و حسین مکی تدریجاً با شاه مرتبط شده بودند... برخی امور به پای کاشانی نوشته شد.

مصاحبه آقای علی ابوالحسنی با آقای حسین شاه حسینی

نزدیک ببینند اوضاع چطور می شود. کریم آبادی نقل می کرد: من یقین داشتم با این تمهیدات، به ریاست صنف انتخاب نمی شوم و باید دستک دوسک اتحادیه را تحویل آبادی رژیم بدهم! زمانی که به اتحادیه برگشتیم دیدیم یواش یواش تیپهای مختلف آمدند و صندلیها پر شد. ناگهان گفتند: آقای شعبان جعفری آمد! و دنبال این خبر، شعبان با عده ای از اوپاش دور و برش وارد اتحادیه شدند. آنها به کسی اعتنا نکرده درحالیکه جواب سلام یک عده را داده و جواب سلام یک عده را ندادند روی صندلی نشستند. اینک دیگر مسلم می نمود که کریم آبادی قافیه را باخته است. هنوز شاید صندلی شعبان و یارانش گرم نشده بود، که گفتند: طیب دارد می آید! طیب هم با ۱۰، ۱۵ تن از نوچه هایش وارد مجلس شد و رفت نشست و سپس با غیظ به یکی از رفقایش گفت: رضا، بدو اون چارپایه را از ابرام آقا بگیر بیار!

رضا چارپایه را آورد و طیب بالای آن رفت و با چند فحش رکیک به شعبان و دار و دسته او گفت: ...ها و...ها آمده اند اینجا که چی؟! ما همه کارمان دست مشدی ها است، دست لوطی هاست، دست آنهایی است که بابا و ننه شان را می شناسیم! دست اونا است که فلان و فلان نیستند. اختیار صنف قهوه چی را که یک عمر ماها در دست داشته ایم، حالا بدهیم دست... و...؟! اگر ۲۸ مرداد است ما بودیم، اگر فحش به مصدق است ما دادیم. همه این کارها را ما کردیم؛ حرفی هم نداریم. ولی دیگه اتحادیه صنفمان را که نمی دهیم دست اونا (و باز تکرار کرد:) اینجا مال مشدی ها و لوطی هاست، نه هر بی سروپا و فلان فلان شده ای! بعد رو به دار و دسته شعبان کرده و گفت: بلند شید مادر فلانها! حتی داد زد: مش اسماعیل! گفتند: مش اسماعیل پارسال فوت کرد. گفت: کدام یک از مشدی ها اینجا هستند؟ گفتند: حاج آقا علی. گفت: آ! قربان حاج آقا علی. حاجی، تو زنده هستی؟ از آن دور بلند شد و آمد جلو برابر حاج آقا علی پیرمرد ۷۰ ساله دارای محاسن سفید، و گفت: حاجی نوکرتم، نوکرتم، همه ما نوکرتم! اینها، فلان خوردند آمدند اینجا! حاجی چرا راهشان دادی اینجا؟ مگه ما مرده بودیم؟ حاجی، هرموقع خواستی، این کوچیکت اینجا جاست! بگو بیاد اینجا تا تکلیف اینا رو معلوم کنه.

آقا، تک تک اینها، حتی شعبان، دیدند هوا پس است و بلند شدند رفتند. بعد هم طیب نشست و گفت: حالا بیایید رای بدهیم! و خلاصه، همه کسانی که آمده بودند به ابراهیم کریم آبادی رأی دادند! بعد بلند شد گفت: اختیار خودمان، اختیار زمان، اختیار بچه هامان، دست شما است! تو این مملکت هرکاری می کنی بکنی، این را که می توانیم دست کسی نمی دهیم. این ماجرا که احتمالاً اواخر کابینه زاهدی رخ داد (زمانش دقیقاً خاطرم نیست)، به خوبی نشان می دهد که لوطی گری و مشدی گری از اول در ذات مرحوم طیب بوده است.

بخشی از مصاحبه با آقای حسین شاه حسینی توسط آقای علی ابوالحسنی

۱. خود شعبان با اشاره به دعواش با عبداکرمی می گوید: «من با این عبداکرمی مبارزه می کردم، چون او طرفدار مصدق و جبهه ملی بود و من طرفدار شاه بودم... دم مسجد فخرالدوله ایشون [= عبداکرمی را] زدم زخمیش کردیم، نمیگیم نزدیک. سر همینم با من کینه داشت که اومد باشگاه منو گرفت دیگه!... اول انقلاب این میره باشگاه رو می گیره. همون موقع بازرگان و سنجابی و فروهر میرن افتتاحش می کنن به نام باشگاه ملی...» (خاطرات شعبان جعفری، همان، صص ۱۸۷، ۱۸۶ و نیز ر. ک، تصاویر صفحات ۲۰۳، ۲۰۰ همان کتاب و همچنین پشت جلد کتاب که روشنتر بوده و از مجله لایف گرفته است).

نتیجتاً می آید جلو آقای شعبان جعفری را با تمام قدرتش می گیرد و به او حمله می کند و شعبان هم با دار و دسته اش فرار می کند و از محل بیرون می رود. ۱. بخشی از مصاحبه با آقای حسین شاه حسینی توسط آقای علی ابوالحسنی

شعبان جعفری و طیب حاج رضایی پس از کودتا

می دانید کودتای ۲۸ مرداد که صورت گرفت، دوری بلند از شکنجه و آزار هواداران نهضت ملی، به گونه های مختلف، آغاز شد که ملت ما تا مدت ها گرفتار مصائب آن بود. در این زمان، رئیس اتحادیه صنف قهوه چی تهران، مشهدی اسماعیل کریم آبادی است، که از معتمدین بازار تهران می باشد و خود و پسرش (ابراهیم کریم آبادی، مدیر روزنامه اصناف) جزو طرفداران دکتر مصدق اند. از نظر سران رژیم کودتا، طرفداران دکتر مصدق، هر کجا بودند، باید منکوب می شدند و طبعاً مشهدی اسماعیل نیز باید از ریاست اتحادیه و صنف برکنار می گردید. روی این امر، اتاق اصناف دستور داد انتخابات صنف قهوه چی تکرار شود. بدین منظور، دستگاه عده ای را به سرپرستی شعبان جعفری راه انداخت و اعلام کرد حدود مثلاً ۲۰ روز دیگر در اتحادیه صنف قهوه چی انتخابات صنفی برگزار خواهد شد. داستان را خود مرحوم ابراهیم کریم آبادی برای من نقل کرد. اینک مشهدی اسماعیل فوت کرده و پسرش ابراهیم رئیس اتحادیه صنف شده و حاج آقا علی هم نائب رئیس او گردیده و حاج نصرا رئیس قهوه خانه آیینه هم نایب رئیس دیگر شده است. همه آنها هم جزء طرفداران دکتر مصدق محسوب می شوند و سابقه حمایت از نهضت ملی دارند. خیلی راحت، چند روز دیگر انتخابات انجام می شود و تمام قهوه چی ها باید بیایند رأی بدهند و شعبان جعفری هم کاندیدای ریاست صنف قهوه چی شده است (چون او یک قهوه خانه داشت) و برای این کار دار و دسته اش را تجهیز کرده و شهربانی و اتاق اصناف و سران حکومت، همگی، از او حمایت می کنند. متقابلاً ضد ابراهیم کریم آبادی و یاران او مغضوب دستگاه هستند و رژیم تصمیم جدی دارد که وی را از ریاست صنف کنار بگذارد. زمان گذشت تا روز انتخابات فرارسید. اتحادیه صنف قهوه چی در کوچه ای در میدان بهارستان تهران انجام می گرفت. ظهر روز انتخابات، ساعت ۱۲ خبر دادند که ساعت ۴ بعد از ظهر امروز کار رأی گیری انجام می گیرد. حالا صندلیهای بسیار زیادی در حیاط صنف قهوه چی چیده و اعضای هیئت نظارت نیز مشخص شده اند تا به اصطلاح انتخابات صنف زیر نظر آنها برگزار شود. در این اثنا، مرحوم طیب حاج رضایی به ابراهیم کریم آبادی تلفن می زند (ببخشید، با همان جملات طیب عرض می کنم): ابرام آقا! امروز، انتخابات هست؟ می گوید: بله. می پرسد: مگه شما، مش اسماعیل، کاندید نیستی؟! می گوید: بله، ما هستیم، ولی خوب یک عده ای راه افتاده اند! می پرسد: کی راه افتاده؟! می گوید: آخر، یک عده ای می خواهند ما نباشیم! می گوید: خیلی خُب، رأی گیری چه ساعتی انجام می گیرد؟ می گوید: ۴ بعد از ظهر. می گوید: خیلی خوب، و پس از خداحافظی، تلفن را قطع می کند. حاج ابراهیم گوشی را زمین می گذارد و می روند در خیابان شاه آباد پهلوی ابوالقاسم اخلاقی ناهار می خورند و حاج ابراهیم آن روز خیلی کسل است و می روند پهلوی فرح بخش و ساعت ۳ بعد از ظهر هم می آیند توی اتحادیه که از

